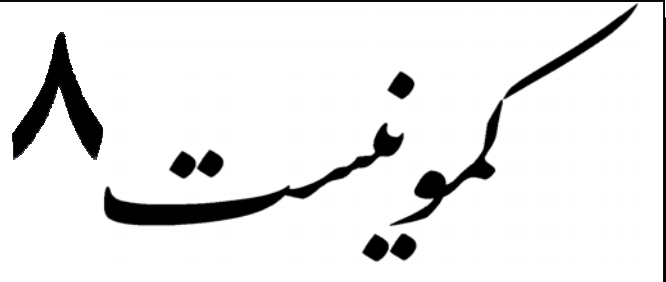


## پیروزی حزب کمونیست کارگری عراق و مردم معترض فرماندار شهر "شاربان" (المقدادیه) فراری شد!

پس از چند هفته کشمکش شدید و گسترده میان مردم معترض شهر "شاربان" به رهبری حزب کمونیست کارگری عراق، با نیروهای سناریو سیاهی حاکم بر شهر شامل فرماندار و احزاب قومی و اسلامی و باندهای مافیایی شان، سرانجام روز پنجشنبه ۲۲ اکتبر (۳۰ مهر) این بقیه در صفحه ۳



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

شماره ۸ - ۱ آبان ۱۳۸۳ - ۲۲ اکتبر ۲۰۰۴

سردبیر: کورش مدرسی جمعه ها منتشر میشود www.hekmatist.com



nahid@mail.danbbs.dk

## ژیلا و بختیار باید آزاد و در امان باشند! گفتگو با ناهید ریاضی عضو کمیته مرکزی حزب

نیز وجود دارد که حکم اعدام و یا سنگسار ژيلا و مجازات بختیار بعد از آنکه به سن ۱۸ سالگی رسیدند، به اجرا در آید.

خطری که فعلا ژيلا و بختیار ایزدی را تهدید میکند نه فقط احکام اعدام و شلاق و حبس بلکه فشارهای فرهنگی و سنتی و خطر "تاموس پرستی" است که جان این دو نفر و نوزادشان را به طور جدی تهدید می کند. امنیت این سه نفر باید

بقیه در صفحه ۲

همچنین افکار عمومی بین المللی حکم سنگسار ژيلا ایزدی را لغو کرد و در عین حال تایید کرد که ژيلا و بختیار ایزدی (۱۳ و ۱۵ ساله) به جرم رابطه نامشروع به حبس تعزیری محکوم شده اند.

این دو کودک در حال حاضر به "خانه سلامت" بهزیستی مریوان سپرده شده اند و تحت نظر و کنترل قرار دارند. طبق اخباری که به دست ما رسیده، در مورد پرونده آنها تصمیم نهایی گرفته نشده است و این خطر

ناهید ریاضی از شخصیت‌های سیاسی دانمارک و فعال حقوق زنان و کودکان است که کمپین جهانی را برای آزادی ژيلا برآه انداخته است.

کمونیست: اکنون وضعیت ژيلا ایزدی و برادرش چگونه است؟

ناهید ریاضی: ابتدا در دادگاه صحبت از سنگسار بود. اما همانطور که در اطلاعیه شماره ۳ به آگاهی همگان رساندم، جمهوری اسلامی تحت فشار مخالفت‌های مردم در خارج و داخل ایران و



## ابعاد یک کمپین انسانگرا!

مهرنوش موسوی

mehrnousch@aol.com

است. در این نامه ناهید خواستار کمک و تلاش گسترده مردم برای نجات و آزادی این دو نفر شد. اعلام این خبر و این کمپین، مانند حریق بود که دست به دست گسترش یافت. تنها در عرض چند روز بیش از ۶ هزار نفر امضا خود را پای نامه ناهید ریاضی برای آزادی ژيلا و بختیار گذاشتند. کمپین ناهید ریاضی یک خصوصیت

بقیه در صفحه ۳

هفته گذشته ما شاهد ابراز وجود و سربرآوردن یک جنبش انسانی و رادیکال برای آزادی ژيلا ۱۳ ساله و بختیار ۱۵ ساله از شهر مریوان بودیم. استارت این کمپین نیز این بار از خارج کشور زده شد. ناهید ریاضی طی نامه ای به اطلاع مطبوعات و رسانه های خبری رساند که دختری ۱۳ ساله به اتفاق برادر ۱۵ ساله اش دستگیر و به سنگسار محکوم شده

## قدرت کمونیسم در کردستان اهرمی مهم در تعیین تکلیف قدرت سیاسی در ایران است

گفتگو با حسین مرادیگی (حمه سور) صفحه ۲

## صدای انسانیت بیدار

صفحه ۴



darabi.a@broadband.net



majid.h@telia.com



sardari@web.de

## ما نمی گذاریم، شما نباید بگذارید!

پیام

صالح سرداری، عبدالله دارابی و مجید حسینی

به مردم مریوان

شان مدت‌هاست صادر شده است نیست. بحث ما با مردم است. بحث با زنان و مردانی است که برای رفتن اینها روز شماری می کنند.

بحث با جوانانی است که میخواهند سر به تن این جانیان نباشد. بحث ما با مردمی است که همراه ما بیش از دو دهه تاریخ

رابطه جنسی در مریوان دستگیر شد، سنگسار شوند. هر دوی اینها باید فوراً آزاد گردند و مرتکب هیچ خطا و عمل قابل مجازاتی نشده اند.

بحث ما اینجا با رژیم نیست. با قاضی جنایتکار و آنهایی که در تدارک این جنایت دست دارند و حکم به گور نهادن رژیم

گورشان را گم کنند، خیر مرگ به شهر شما بدهند و بساط سنگسار در مریوان پهن کنند.

مردم ما نمی گذاریم هیچ زنی در مریوان سنگسار شود. شما نباید بگذارید ژيلا و زن دیگری که چندی پیش به اتهام

مردم مریوان! جانیان جمهوری اسلامی جرات کرده اند اعلام کنند که ژيلا ایزدی نوجوان ۱۳ ساله و زن دیگری را در مریوان سنگسار کنند. قاتلان مردم جرات کرده اند در روزهایی که همه منتظرند

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

گفتگو با ناهید...  
تضمین شود. نه ژبلا و نه بختیار و نه نوزاد ژبلا نباید به حال خود رها شوند تا "ناموس پرستی" آنها را تهدید کند و یا حق یک زندگی عادی از آنها سلب شود.

**کمونیست: کمپین چه ابغادی بخود گرفت؟**

ناهید ریاضی: بعد از اعلام این کمپین در روز پنج شنبه گذشته، طولی نکشید که خبر سنگسار ژبلا ۱۳ ساله و مجازات شلاق بختیار ایزدی که او هم ۱۵ سال بیشتر ندارد، در سراسر جهان پخش شد. سیل میل و تماس های تلفنی به طرف من سرازیر شد. مردم آزادبخواه که وجدانشان از این موضوع به درد آمده بود، از همه جای دنیا اعلام آمادگی برای کمک و فعالیت برای نجات ژبلا و برادرش را کردند. از سیدنی استرالیا گرفته تا هند و ژاپن و پاکستان و آمریکا و سراسر اروپا مردم به من

نامه نوشتند و پرسیدند چطور می توانند به این کمپین کمک کنند. تعداد زیادی خودشان استیضاح را بالا زدند و شروع به ترجمه نامه من به زبانهای کشور اقامتشان کردند و به جمع آوری امضاهای اعتراضی پرداختند و مرتباً خبر فعالیتهايشان را به من میدادند. دخترهای جوان هم سن و سال ژبلا برایم نامه دادند و نوشتند که آنها خوب می فهمند که ژبلا چه حالی دارد و زیر چه فشار سنگین فرهنگی و سنتی و خطر مجازات قرار دارد. همدردی خودشان و آرزویشان برای آزادی و نجات او را به من اعلام کردند. صحبت درباره ژبلا و بختیار و کمپین برای نجات آنها در تقریباً تمام سایتها، وبلاگها، رادیو و محلی و چترومهای فارسی زبان و ..... شروع شد و بحثهای داغی درباره تهدید و اعدام و

سنگسار کودکان در ایران و لزوم تضمین امنیت کودکان در برابر این تهدیدات و همچنین ناموس پرستی و سنتهای عقب مانده ارتجاعی براه افتاد. روزنامه سوندی افتون بلادت با من تماس و درباره ژبلا و کمپین ما با من مصاحبه مفصلی انجام داد. بدنیهال آن روزنامه های دیگری از فرانسه تا دانمارک و ... شروع به تماس با من گرفتند. مصاحبه با مدیای فارسی زبان و خارجی صدای ما را در سطحی بسیار وسیع پخش کرد. وکلای بدون مرز با من تماس گرفتند و اعلام آمادگی و پشتیبانی کردند. وکلای ایران با من تماس گرفتند و اعلام کردند که ما بلند کیس ژبلا را بدست بگیرند. شاعران و نویسندگان و هنرمندان با ما تماس گرفتند و پشتیبانی خود را از ژبلا و بختیار اعلام کردند. دپروز چند نامه از نمایندگان مجلس در

**کمونیست: خواست کنونی کمپین چیست؟**

ناهید ریاضی: حکم حبس تعزیری ژبلا و بختیار ایزدی باید فوراً لغو شود و قوه قضائیه باید لغو این حکم را رسماً اعلام نماید. در غیر اینصورت بغیر از زندن کنونی، خطر شلاق و خطر اعدام، بعد از سن هیجده سالگی، همچنان برای این کودکان وجود دارد. هیچ دادگاه و هیچ دولتی حق حبس و زندان کردن کودک را ندارد.

ثانیاً، ایجاد امنیت جانی و شرایطی انسانی که

دانمارک و همچنین نمایندگان پارلمان اروپا دریافت کرده ام که پرسیده اند چطور می توانند دنبال این کیس را بگیرند. از دانشگاههای مختلف ایران دانشجویان با من تماس گرفتند و خواهان فعالیت برای نجات جان ژبلا شدند. ابعاد این کمپین بسیار وسیع است. بعداً در گزارشی ابعاد این کمپین را بازگو میکنم.

ما از همه نهادهای بشردوست و ان.جی. اوها در ایران و خارج از ایران درخواست نموده ایم که برای تضمین امنیت این کودکان اقدام نمایند و در صورت لزوم سرپرستی این سه کودک را بعهده بگیرند.

پروسه نجات این ۳ کودک از زندان مجازاتهای بعدی، برگرداندنشان به آغوش جامعه و تضمین امنیت و حرمت انسانیشان باید با موفقیت به پایان برسد. و این برعهده ما و همه نهادها و شخصیتهای انساندوست و مدیای داخل و خارج ایران و همه انسانهایی آفته است که با نگرانی این مسئله را دنبال میکنند. این کودکان به کمکهای بیدریغ و تا به آخر ما نیاز دارند.

مردم و هم جامعه لطمه خوردند و به یک معنی این جدائی روی تناسب قوا بین مردم و جمهوری اسلامی تأثیر منفی گذاشت، از نظر ما این جدائی اجتناب پذیر بود، مینوانستیم با هم بمانیم. لیکن بخشی از رهبری حزب کمونیست کارگری که مشغله اش آینده و سرنوشت سیاسی این مردم نبوده و نیست، جدائی را اجتناب ناپذیر کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست باید موفقیت قدرتمند و قوی کمونیسم کارگری را احیا کند. ما به حمایت و پشتیبانی گرم توده کارگر و دیگر بخشهای چپ و رادیکال جامعه احتیاج داریم و همه را به حمایت از حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست فرامیخوانیم. باید خلاء ایجاد شده را بسرعت پر کرد.

ادامه دارد

شوند ما آماده ایم و نمیتوانند و نمیگذاریم ژبلا و هیچ زن دیگری در مریوان سنگسار شود! مرگ بر جمهوری اسلامی آزادی برابری حکومت کارگری  
۲۰ مهر ۱۳۸۳

گسترش شبکه ها و محافل کمونیستی در محل کار و زیست یکی از وظایف ما در این دوره است. شکی نیست وجود سازمان حزبی نیرومند یکی از ابزارهای مهم ما برای بسیج توده ای و رهبری مبارزات اعتراضی و انقلابی مردم برای بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی و قرار گرفتن در راس قطب رادیکال جامعه است. باید حزب در این دوره از سازمان حزبی نیرومندی در محل کار و زیست در شهرهای گردستان ایران برخوردار کرد.

**کمونیست: بعد از جدائی جریان حکمتیستها از حزب کمونیست کارگری چه تغییراتی در تناسب قوا میان مردم و جمهوری اسلامی و میان ناسیونالیسم کرد و کمونیسم کارگری و بطور اخص جریان حکمتیست بوجود آمده است؟ تأثیر این جدائی در جامعه چیست؟**

**حسین مرادیگی: بدون شک از این جدایی هم**

است به سازمان و نیروی حزبی متناسب با آن ترجمه نشده است. هنوز جنبش ما در ابعاد وسیع تحزب نیافته است، هنوز این درجه از نیرو و قدرت اجتماعی و جنبش ما با ابعاد حزبی و سازمانی که این جنبش باید بخود بگیرد، تناسب ندارد. وجود حلقه های اسلامی و فضای پلیسی ناشی از آن نیز یکی دیگر از دلایل مهم این وضعیت است. زیر حاکمیت رژیم که جوان ۱۶ ساله را بخاطر داشتن یک اطاعیه در جیب درجا تیر باران میکردند، در شرایطی که فعالیت حزبی کمونیستی هنوز خطرناک میتواند باشد، واضح است ایجاد سازمان حزبی به کندی پیش میرود.

بهر درجه که این فضا شکسته میشود، بهر درجه که تناسب قوا میان رژیم اسلامی و مردم به نفع مردم تغییر کرده است، بهمان میزان نیز سازمان حزبی ما توسعه یافته است. ایجاد سازمان حزبی قوی،

رفتنی نیست. در مقابل اینها باید حالی شوند که دنیا عوض شده و مردم و بخصوص جوانان تصمیم شان را گرفته اند. کسی نباید از کنار این خبر بگذرد. کسی محق نیست به آن فکر نکند. همه باید علیپش به

## قدرت کمونیسم در گردستان اهرمی مهم در تعیین تکلیف قدرت سیاسی در ایران است

گفتگو با حسین مرادیگی (حمه سور)

در باره برنامه عمل تشکیلات گردستان

بخش دوم

حزب بعنوان رهبر سراسری جنبش اعتراضی و همزمان تامین رهبری در محل برای هدایت و رهبری مبارزات اعتراضی.

**کمونیست: کمونیسم کارگری از موقعیت اجتماعی قدرتمندی در گردستان برخوردار است. بطور کلی تا چه اندازه این موقعیت به سازمان و نیروی حزبی ترجمه شده است؟**

**حسین مرادیگی: متأسفانه هنوز آن اندازه که لازم است این موقعیت اجتماعی که کمونیسم کارگری در گردستان از آن برخوردار**

**کمونیست: چگونه میخواهید رهبری جنبش اعتراضی توسط حکمتیست ها را تضمین کنید؟**

حسین مرادیگی: از طریق دخالتهای فعال و بموقع در این مبارزات، از طریق متحد و متشکل کردن توده کارگر و دیگر مردم معترض، زنان، معلمان، جوانان، از طریق تضمین شعار نه مردم به جمهوری اسلامی، تبدیل کردن شعار آزادی و برابری و مرگ بر جمهوری اسلامی به شعار جنبش اعتراضی مردم گردستان ایران و از این طریق تامین رهبری

مردم! با پخش خبر سنگسار در شهر مریوان رژیم میخواهد به شما اعلام کند که اعدامتان میکند. میخواهد به شما بگوید که هنوز زور دارد. میخواهد به فرهنگ کثیف اسلامی و مردسالارانه و ضد زن روحی بدمد و بگوید کماکان میماند و

بقیه از صفحه ۱ پیام ... نبرد با این جانپان را دارند. بحث ما با شماهاست که این اطلاعات دستتان میرسد. به آنهایی که پیام ما را میشوند و به آنهایی که همراه ما میخواهند اسلام سیاسی را از این جامعه جارو کنیم.

بقیه از صفحه ۱

پتروزی ...

کشمکش با پیروزی مردم به نتیجه رسید و فرماندار تبهکار شهرناچار به فرار شد.

شهر شاربان (مقدادیه) در شرق بغداد و در فاصله بغداد و شهر بعقوبه (مرکز استان دیاله) واقع شده است.

از حدود یک ماه قبل مردم ناراضی شهر و در راس آنها کمیته حزب کمونیست کارگری عراق در شاربان، کمپین اعتراضی دامنه داری علیه فساد اداری و مالی و چپاول و غارت و سرقت هر روزه که توسط باندهای مسلح و مافیایی صورت میگرفت براه انداختند. این دارودسته های مافیایی وابسته به فرماندار، اعضای شورای شهر گمارده شده از طرف نیروهای آمریکایی و دو حزب مجلس اعلی انقلاب اسلامی و اتحادیه میهنی کردستان هستند. چپاول بودجه هایی که قرار بود صرف خدمات

اجتماعی، عمران، و تامین امکانات معیشت روزانه مردم شود و سرقت های شبانه از منازل مردم و یک سری تبهکارهای اداری و مالی دیگر از جمله مواردی بود که خشم مردم را برانگیخته بود. رهبری این کمپین با کمیته حزب در شاربان و در راس آن شخصیت کمونیست شناخته شده شهر سالم فرحان، و خواست مشخص کمپین برکناری فوری فرماندار و شورای تحمیلی، رسیدگی به جرائمشان و سپرده شدن اداره شهر به نمایندگان واقعی و منتخب مردم بود.

فرماندار و شورای تحمیلی و دارودسته های مرتجع مجلس اعلا و اتحادیه میهنی کردستان، در برابر این کمپین اعتراضی به توطئه چینی و تهدید و تحریک احساسات عقبمانده متوسل شدند که همگی با گسترش اعتراض توده ای مردم خنثی شد و پاسخ گرفت. در پایان ماه سپتامبر

شورا و فرماندار طی جلسه ای قرار بستن مقر حزب کمونیست کارگری عراق و دستور دستگیری مسئولین حزبی را تصویب کردند و اعلام کردند که این حزب بر ضد دین تبلیغ و عمل میکند، اما این قرار هم با گسترش اعتراض توده ای روبرو شد و بی اثر ماند. این بار باندهای سناریو سیاهی طی یک اطلاعیه مخفی اعلام کردند که مقر حزب را به آتش میبندند و نیروهای مسلح حزب را تهدید به "سر بردن" کردند. عملا هم شبانه مقر حزب را به آری جی بستند که با آتش نیروهای مسلح حزب پاسخ گرفت و ناچار به فرار شدند. صبح روز بعد یعنی پنجشنبه هفته قبل، در اعتراض به این توطئه ها، کمیته حزب و مردم شهر در جلو فرمانداری و شهرداری دست به تجمع و تظاهرات زدند. در این تجمع توده ای که توسط نیروی مسلح حزب حفاظت میشد،

عادل صالح عضو هیات اجرایی حزب و مسئول کمیته بغداد، صالح عاشور عضو هیات مرکزی اتحادیه شوراها و سندیکاهای کارگری عراق، عباس عبدالرحمن عضو هیات مرکزی اتحادیه بیکاران، سالم فرحان مسئول کمیته حزب در شاربان و همچنین تعدادی از نمایندگان مردم سخنرانی کردند و بر خواست برکناری فرماندار و تعقیب مجرمان و تبهکاران تاکید کردند و اعلام داشتند که تحت هیچ شرایطی از این خواستها کوتاه نخواهند آمد. این اعتراضات طی هفته گذشته ادامه داشت و سرانجام استاندار دیاله و مسئول نظامی نیروهای آمریکایی مستقر در منطقه ناچار به دخالت شدند. اسناد و شواهد آنقدر آشکار و غیر قابل انکار بود که ناچار شدند روز چهارشنبه فرماندار را برکنار و تحت تعقیب و بازجویی قرار دهند.

طبق آخرین خبر از اطلاعاتیه حزب کمونیست

کارگری عراق که پنجشنبه ۲۲ اکتبر (۳۰ مهر) منتشر شده، فرماندار تبهکار همراه دارودسته مافیایی خود شبانه از شهر فراری شده و به نقطه نامعلومی گریخته است.

با پیروزی کمپین مردم معترض و حزب کمونیست کارگری عراق، موجی از شادی شهر شاربان را فرا گرفته است. کمیته حزب در این شهر اعلام کرده است که شورای تحمیلی شهر باید منحل اعلام گردد و اداره شهر به نمایندگان واقعی و منتخب مردم سپرده شود. مذاکره مسئولین حزب و نمایندگان مردم معترض شاربان با استاندار دیاله در ارتباط با این خواست و دیگر خواسته های اعتراضی یک ماهه همچنان ادامه دارد.

کمیونیست: این پیروزی شایان افتخار را به مردم معترض شاربان، به همه مردم رنج دیده عراق و به حزب کمونیست کارگری عراق شادباش میگوییم.

زنده باد حزب کمونیست کارگری عراق!

بقیه از صفحه ۱: تصویر..

ویژه را هم به نمایش گذاشت که منحصر بفرد بود، اینکه ناهید پلی شد برای ممزوج شدن و متحد شدن نیروی اجتماعی عظیمی از سراسر ایران تا خارج کشور. از تهران، اصفهان، کرمان، از شهر میروان، سنندج، از جنوب و شمال ایران تا هند، پاکستان، استرالیا، ژاپن، سوئد کانادا، آمریکا، آلمان، سوئد و کشورهای دیگر. روزمره فعالین ما در کمپین، علاوه بر خود ناهید ریاضی بیش از صدها ایمیل، فاکس و تلفن را پاسخگو بودند. رجوع مردم به ما بیسابقه بود. مردم فقط یک چیز را میخواستند، اینکه سازمان یابند، کمک کنند. خودشان پیشنهاد میکردند، خودشان سازمان دادند، وب سایت درست کردند، وبلاگ زدند. با امنستی و یونیسف تماس گرفتند. پزشکان بی مرز، اعلام

آبادگی کردند. سد اختناق را شکستیم. اگر کسی الان به سایتها و وبها سر بزند، از وبهای شهرستانهای کوچک ایران تا بزرگ، از سایتهای خارج تا داخل، متن نامه ناهید ریاضی را در سر در آن خواهید دید. روزنامه های کشورهای اروپایی شامل افتون بلاد تا روزنامه های سراسری نروژ و کشورهای دیگر تا تلویزیونها و رادیوها جملگی خبر وجود این کمپین و تلاش برای آزادی ژیل و بختیار را مطرح کردند. در کشورهای مختلف، فعالین کمپین با مقامات دولتی، امنستی و یونیسف دیدار کردند. نخست وزیر دانمارک قرار است ناهید ریاضی را دوز اول نوامبر ملاقات کند. وکلایی هم در خارج و هم در داخل اعلام کردند که وکالت ژیل را به عهده خواهند گرفت. خانواده هایی اعلام کردند که نوزاد این

دو نفر را که ژیل در زندان به دنیا آورده به فرزندی قبول خواهند کرد. یک شبکه وسیعی از دختران ۱۳ تا ۱۴ ساله از سراسر دنیا به ما نامه نوشتند، با ژیل و برادرش ابراز همبستگی کردند. مردم با هوشیاری این کمپین را دنبال میکردند، تذکر میدادند، پیشنهاد میکردند، ایده های جدید مطرح میکردند و بویژه همیشه با گرمی خاصی دلگرمی و قدردانی و تشویق میکردند. باورنکردنی بود که چگونه یک کمپین اجتماعی و انسانی روی دوش مردم به جلو برده شد، برای جریانی مثل ما که در ابتدای کارمان از امکانات گسترده تلویزیونی و رادیویی برخوردار نبودیم، این ذره ایی جای به خانه میلیونها نفر برد. در دهها شبکه رادیویی و تلویزیونی پیام این کمپین برای آزادی ژیل و بختیار پخش شد و همبستگی جلب کرد.

وجود شخصیتهای شناخته شده و محبوب شهر میروان در صف یاران ما، مثل مجید حسینی، عبدالله دارابی، صالح سرداری و محمد راستی یک موهبت و یک شانس مهم برای پیشبرد کمپین بود، چرا که یک پای این کمپین مبیایست در خود شهر میروان میبود. تماس گسترده این رفقا با مردم شهر، ورق را برای جنبش آزادیخواهان، بی باک و سنت شکنانه ما چنان برگرداند که کسانی که تحت تاثیر سنن، حتی کمر به قتل این بچه ها بسته بودند، اعلام کردند که پیام کمپین را گرفتند، اعلام کردند که از فکر خود پشیمان شده اند. کار ما هنوز ادامه دارد. هنوز باید پیشروی کنیم.

در اثر این تلاش که گوشه ایی از آن را برایتان تصویر کردم، حکومت ایران به سرعت عقب نشست. در حالیکه

حیدرزاده در میروان حکم سنگسار ژیل و شلاق برای بختیار را صادر کرده بود، ۲ روز بعد در تهران از زبان مقامات قضایی حکومت اعلام شد که اصلا چنین قصدی ندارند. در سایه این کمپین و از ترس مردم اعلام کردند که حکم سیما هم لغو شده است. این در حالی است که خود مقامات حکومت، همین چند ماه پیش به مقامات اتحادیه اروپا گفته بودند که سنگسار در ایران لغو شده است. ژیل و بختیار را به بهزیستی شهر میروان فرستاده و پرونده ها را به خاطر وجود این اعتراض مهم و گسترده به بیست رهبری زیر نظر مستقیم خامنه ای ارسال کردند.

اعتراض و کمپین ناهید ریاضی ادامه دارد. ما اعلام کردیم که این عقب نشینی حاصل تلاش ماست ولی کوتاه نمی آیم.





## صدای انسانیت بیدار

(در باره کمپین آزادی ژیل و بختیار ایزدی)

r\_hoseinzadeh@yahoo.com

### رحمان حسین زاده



دید. انتقام از مردم شهری که در طول حاکمیت ۲۵ ساله اش بارها و بارها زیر ضرب مبارزات آنها کمر خم کرده است، مردم شهری که همین چند ماه قبل مجسمه "سردار جانبازش" را پائین کشیدند. در سرآغاز سال نو دسته دسته پذیرای رهبران کمونیست و محبوب خود در دل شهر بودند و دو هفته قبل همایش دفاع از کودک را در وسط شهر اجرا کردند. سنگسار ژیلای سیزده ساله و به شلاق کشیدن بختیار ۱۵ ساله قرار بود، میخ جمهوری اسلامی و ارتجاع و عقب ماندگی را محکم کند. قرار بود، صدا و حرکت انسانی را در آن جامعه خفه کند.

انسانیت بیدار چکار میکند؟ مظفر محمدی در نوشته جالب و روشنی به "مردم" درستی نوشت، "مردم" میباید در بوته آزمایش و من اضافه میکنم این آزمایشی برای همه ما بوده و هست. برای مدافعان پرشور حقوق جهانشمول کودک و انسان، برای مدافعان حقوق زن و رهایی زن، برای پیشگامان در افتادن با هر جلوه از ارتجاع و عقب ماندگی انسان در سراسر ایران، برای رهبران کمونیست مردم مریوان و سراسر ایران و برای حرکت انسانی که در اقصی نقاط جهان فراخوان به "آزادی ژیل و بختیار ایزدی" را شنید. به حرکت درآمدن "کمپین آزادی ژیل و بختیار ایزدی" پاسخگویی جبهه انسانیت به این آزمایش است. فراخوان شورانگیز، ناهید ریاضی و سازمان رهایی زن، پیام جسورانه "ما نمیکذاریم و شما هم

ده روز قبل بود. مجید حسینی زنگ زد و مطلعم کرد، که واقعه دردناکی در شهر مریوان در شرف وقوع است. کودک سیزده ساله‌ای به نام ژیل را به سنگسار محکوم کرده‌اند. ماجرا را تعریف کرد و گفت اطلاعیه ای را برای شروع کار نوشته‌ام. توافق داشتیم که سرعت باید جنید بر بی تفاوتی عمومی در شهر فائق آمد، در داخل و خارج تحرکی ایجاد کرد و جلوی این توحش را گرفت. ماجرای را که امروز همه شنیده اند، پیچیدگیهای خاص خود را داشت. دو کودک آنهم خواهر و برادر در رابطه جنسی با هم قرار گرفته‌اند. نوزادی به دنیا آمده است. ملا و ارتجاع شهر این "کفر" را به نشانه "آخرت دنیا" و "مجازات خداوندی" علیه "امت ناسپاسگزارش" در بوق کرده‌اند. میدانند و میکنند و فضا بر خانواده و بستگان و بر مردمانی که با هر درجه از احساس مسئولیت و برخورد انسانی به این واقعه برخورد داشتند، تنگ نموده و میتوان تصور نمود که چه فضایی را ایجاد کردند. نگران کننده تر صدا و حرکت انسانی شهر در مقابل میدانند اینها بی تفاوت و توگویی که مرعوب شده بودند. جست و خیز عقب مانده ارتجاع و عقب ماندگی را در حاکمیت قرون وسطایی جمهوری اسلامی ضرب کنید، میتوان تصویر درستی از شرایط غم انگیزی که بود، داشته باشید. بر این بستر جمهوری اسلامی نه تنها برای اجرای مجازات قرون وسطایی سنگسار دندان تیز کرده بود، بلکه این را فرصتی برای زهر چشم گرفتن از مردم

دفاع از حقوق انسانی آنها باید تضمین کند. نباید گذاشت و نمیکذاریم، نمایندگان خدا، یک مشت جانور اسلامی، یک عده فسیل عصر حجر، در تبابی با ارتجاع محل، ملا و شیخ و حاملین عقب ماندگی و فرهنگ و سنت مردسالاری و ناسیونالیستی ضد انسان و ضد کودک سرنوشت این دو انسان و نوزاد را رقم بزنند. نباید گذاشت و نمیکذاریم، سالهای شکوفایی زندگی این انسانها، تحت نام "حبس تعزیری" در "خانه سلامت" جمهوری اسلامی، با شستشوی مغزی و اراجیف ایدئولوژیک مذهبی و اسلامی برپر شود. اینها چکاره‌اند بر جسم و جان و فکر انسانها چنگ انداخته‌اند؟ اینها چکاره‌اند اختیار انسان را بر زندگی و آینده خود سلب کرده‌اند؟ اینها چکاره‌اند چهل و خرافه و بی‌ارادگی را بر جامعه انسانی تحمیل کرده‌اند؟ اگر نقطه اتکایشان زور و سرکوب و کشتار و اعدام و نسل کشی بود، کارایی خود را از دست داده است. این بار دیگر چکاره‌اند؟ دوره شان گذشته است. انسانیت حق طلب بیش از پیش به صحنه آمده، تا اختیار سرنوشت خویش را در دست بگیرد. اینها دیگر کاره‌ای نیستند و باید کنار زده شوند.

فراخوان زندگی و آینده سه کودک تحت کنترل اسلام و جمهوری اسلامی است. این سه کودک را باید نجات داد. هدف اعلام شده کمپین و حرکت بزرگی که شروع شده، همین است. هدف آزادی فوری این انسانها و بیرون بردن آنها از دایره کنترل روزمره جمهوری اسلامی و خرافه و ارتجاع و تامین زندگی امن، نرمال و با استانداردهای انسانی است. اینکار تداوم تحرک خلاف جریان و انسانی همه جانبه ای را میطلبد. تداوم تحرک اجتماعی و انسانی را از مردم شهر مریوان، از

رهبران کمونیست و حکمتیست آن، از مردم آزادیخواه سراسر ایران، از جمعیتها و نهادهای مدافع حقوق کودک و زنان و سازمانهای غیر دولتی مترقی داخل کشور، از رسانه ها و مدیای متعهد و یا علاقمند، از افکار عمومی مدرن مترقی، از سازمانها و نهادهای بین‌المللی مربوط به حقوق کودک و انسان، خلاصه از جبهه انسانیت حق طلب میطلبد. این تحرک را گسترش دهیم، به آن بیبندیم و هر کس و هر نهادی میتواند بنا به موقعیت خود گوشه‌ای از آن را به عهده بگیرد. از اعمال فشار همگانی برای آزادی فوریشان، تا نهادها، و جمعیتهایی که بعد از آزادیشان میتوانند شرایط امن و نرمال و انسانی زندگی این سه کودک را تامین کنند، مجموعه‌ای کار است که هر کدام به سهم خود جای خود را در آن پیدا میکنند. در دو سوی کشمکش بر سر زندگی حال و آینده ژیل و بختیار ایزدی، و نوزاد بی‌خبر از همه این اتفاقات تنها سرنوشت آنها رقم نمیخورد. در دو سوی این کشمکش معیارها، استانداردها و نرمهای تماما متفاوت ارزش گذاری انسان و جامعه انسانی و تصویر از آینده جامعه در ایران رقم میخورد. در این کشمکش ارتجاع و انسانیت در مقابل هم صف کشیده‌اند. پیروزی جبهه انسانیت را تضمین کنیم.

**کمونیست را تکثیر و پخش کنید!**

**مرگ بر جمهوری اسلامی - زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**